

پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بررسی تطبیقی حمایت از حق حیات کودکان در تعالیم اسلامی و نهادهای بین‌المللی

۱. نسرین سنجابی*: استادیار، گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. پست الکترونیک: n_sanjabi@pnu.ac.ir (نویسنده مسئول)

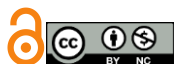
چکیده

حق حیات از اصلی‌ترین حقوق هر انسان است. حفظ این حق برای کودکان که در زمره آسیب‌پذیرترین افراد جامعه هستند باید مورد توجه خاص قرار گیرد. اما آیا توجه به چنین حقی در نهادهای بین‌المللی مصداقی دارد؟ آیا اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، در تعالیم و مبانی خود به این حق امعان نظر داشته است؟ با مطالعه آیات قرآن و فقه اسلامی، می‌توان دریافت که در متون اسلامی عبارت "حق حیات" دیده نمی‌شود اما با توجه به حرمت و قبح شدید کشتن انسان‌ها بویژه کودکان در متون دینی، می‌توان این حق و حمایت از جان انسان‌ها بویژه کودکان را استنباط نمود. کمیته حقوق کودک نیز در یکی از اصول اساسی خود، حق حیات را به عنوان یک اصل بنیادین بر حقوق کودکان به رسمیت شناخته است که تحت هر شرایطی باید مورد توجه قرار گیرد. این مقاله با دیدگاه توصیفی تحلیلی علاوه بر اثبات حق حیات کودکان از منظر فقه اسلام و قوانین بین‌الملل، وظایف دولت‌ها برای حمایت همه‌جانبه از حقوق کودکان، از جمله تقنین در زمینه عدم جواز سقط جنین از طریق تسری زمان کودکی به قبل از تولد، عدم جواز اعدام کودکان، ممنوعیت شکنجه و سایر اعمال تقنینی حمایتی برای کودکان، مورد مطالعه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: کودک، حق بر حیات، حمایت، فقه اسلامی، کمیته حقوق کودک

سنجابی، نسرین. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی حمایت از حق حیات کودکان در تعالیم اسلامی و نهادهای بین‌المللی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۴)، ۸۱-۶۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



کودکان همواره به دلیل آسیب پذیری بیشتر نسبت به بزرگسالان، نیازمند اقدامات حمایتی و توجه بیشتری بوده اند. به دلیل همین آسیب پذیری، عوامل گوناگونی ممکن است حقوق آن‌ها را تضییع کند. از این رو، تلاش در جهت حفظ و تامین حقوق کودک، ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌نماید.

کنوانسیون حقوق کودک در ماده‌های ۲، ۳، ۶ و ۱۲ این کنوانسیون به چهار اصل اساسی در زمینه اصول حاکم بر حقوق کودکان به عنوان اهداف کنوانسیون اشاره کرده است که نمی‌توانند مشروط به هیچ شرطی باشند. مطابق ماده ۴۲ همین کنوانسیون، دولت‌ها موظفند این اصول را به افراد جامعه اطلاع رسانی نمایند و هر گونه اقدامی را برای تحقق اصول مذکور انجام دهند.

این اصول عبارتند از "اصل عدم تبعیض" (Non discrimination) در ماده ۲، اصل لزوم رعایت "عالی ترین منافع کودک" (The best interest of the child) در ماده ۳، اصل حفظ "حق حیات، بقا و توسعه کودک" (The right of Life, survival and development) در ماده ۶ و اصل "احترام به دیدگاه‌های کودک" (Respect For the views of the child) در ماده ۱۲ کنوانسیون مقرر شده است.

مطابق اصل سوم، حق حیات بنیادی ترین حق کودک است که در سایه تحقق آن، می‌توان به تحقق سایر اصول کنوانسیون حقوق کودک همچون رعایت و حفظ کرامت کودک، عدم تبعیض و حفظ حیثیت کودک امیدوار بود.

این مقاله درباره حق حیات کودک، راه‌های حمایت از آن و همچنین الزامات و وظایفی است که دولتها جهت تامین این حق بنیادین کودک، بر عهده دارند. در این نوشتار به بررسی مسائل مهمی همچون حق بر حیات کودک، سقط جنین، اعدام کودک و موارد مشابه بر مبنای حقوق اسلام، ایران و برخی اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک، پرداخته شده است.

حق بر حیات کودک در متون دینی و اسناد بین‌المللی

حق حیات یکی از اصلی ترین حقوق انسانی است که با پذیرش آن می‌توان از دیگر حقوق انسان‌ها سخن به میان آورد. پر واضح است دولت‌ها در روابط بین‌المللی، و اشخاص در روابط خصوصی، موظف به رعایت، توجه و حفظ این حق می‌باشند. بر این اساس وظیفه احترام به حق حیات افراد مختص دولت‌ها نیست بلکه تمام افراد جامعه در روابط شخصی خود موظفند به این حق احترام بگذارند. همان گونه که هر انسانی از حق حیات برخوردار است، تکلیف به رعایت و احترام به این حق، بر عهده صاحب حق نیز قرار دارد و هر صاحب حقی باید با نظر احترام به حق حیات دیگران بنگرد. پس نه تنها دولت‌ها و اشخاص مجاز به گرفتن حق حیات دیگر انسان‌ها نمی‌باشند حتی خود افراد نیز نمی‌توانند با انجام اقداماتی چون خودکشی، یا رضایت دادن به قتل خود، حق حیات را از خویش سلب کنند. در متون اسلامی عبارتی با عنوان "حق حیات" دیده نمی‌شود، اما از متن برخی آیات و روایات می‌توان حرمت قتل و به رسمیت شناختن حق حیات و حمایت از جان انسان‌ها را استنباط نمود. در سوره مائده آیه ۳۲ به یکی از موارد حمایت از جان انسان‌ها اشاره شده است. خداوند در این آیه کشتن یک انسان را معادل از بین بردن و کشتن تمام انسان‌ها تعبیر کرده است. « مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا »^۲.

^۱ - قربان نیا، «جلوه‌های حمایت از حیات کودکان»، نامه مفید، ۱۳۸۸، ش ۷۶، ص ۹۱.

^۲ - هر کس انسانی را جز برای حق، [اقتضای] یا بدون آنکه فسادی در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان‌ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است. مائده: ۳۲

در این آیه مجوز شرع جهت سلب حیات برخی افراد تنها در دو مورد صادر شده است. مورد اول قصاص نفس برای کسی که دیگری را عمدی و عدوانی به قتل رسانده است و مورد دوم در جایی که کسی با برهم زدن نظم و امنیت عمومی باعث ایجاد فساد بر روی زمین شود. لازم به ذکر است که قصاص مجازاتی الزامی نیست بلکه حق اولیای دم می‌باشد و در متون اسلامی ضمن به رسمیت شناختن این حق برای ذیحق، به عمل مطابق عفو و رافت اسلامی تاکید شده است.^۱ واضح است که هدف از اجرای مجازات قصاص در چنین مواردی حمایت از حق حیات انسان‌ها و منع تبهکاران از یکی از خطرناک‌ترین جرایم - قتل - می‌باشد. تفکر در مشروعیت مجازات قصاص، این برآیند را دارد که حفظ امنیت افراد جامعه - اعم از بعد جسمانی و روانی - مصلحت‌لازمه‌تی است که نیل به آن نیازمند ایجاد مجازات‌های عادلانه می‌باشد.^۲ حضرت علی (ع) در یکی از نامه‌های خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «بپرهیز از خون‌ها و ریختن آن به ناروا.....»^۳

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲ اعلام می‌دارد: «زندگی هدیه الهی و حق تضمین شده هر انسانی است. کشتن هیچ کسی بدون مجوز شرعی جایز نیست و افراد و حکومت‌ها ملزم به حمایت از این حق می‌باشند.»

با نگاهی به تاریخ می‌توان دید که در گذشته‌های نه چندان دور، فقط اقوام و نژادهای خاص از حق حیات برخوردار بودند و بر این اساس جوامع برتر بدون در نظر گرفتن حفظ حرمت جان دیگران، به خود اجازه قتل، غارت، تجاوز و کشورگشایی می‌دادند تا با گرفتن جان دیگر انسان‌ها بتوانند بر بقا، دوام و قدرت خویش بیفزایند.

این اعلامیه در ماده ۳ به صراحت، «زندگی با آزادی و امنیت را حق هر انسانی می‌داند.»

ماده ۶ پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی تصریح کرده است: «انسان‌ها دارای حقوق ذاتی از جمله حق حیات می‌باشند که باید مورد حمایت قانون قرار گیرد و نمی‌توان هیچ انسانی را بی دلیل از زندگی ساقط کرد.»

کودکان هم به عنوان بخشی از جوامع انسانی از این حق ذاتی که در متون دینی و اسناد حقوق بشری برای انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است، برخوردارند. از این رو به دلیل آسیب پذیری بیشتر کودکان نسبت به بزرگسالان و نقض گسترده حقوق آنان و لزوم حمایت ویژه از ایشان، در ادیان و اسناد بین المللی نسبت به حقوق کودک و مهم تر از همه حق بر حیات کودک و ممنوع بودن کشتن کودکان به علت قبح این عمل، بسیار تاکید شده است.

ماده ششم کنوانسیون حقوق کودک تصریح می‌کند: «دولتها باید حق ذاتی کودک برای زندگی را به رسمیت بشناسند و بقا و رشد کودک را تا جایی که ممکن است تضمین نمایند.»

در متون دینی حق حیات کودکان بسیار مورد توجه واقع شده است. البته این توجه ویژه به قتل انسان‌ها به طور عام و به ویژه قتل کودکان به شکل خاص، مختص به یک مذهب نبوده بلکه تمام مذاهب الهی کشتن و سلب حق حیات انسان‌ها را منع کرده اند.

در دوران جاهلیت به دلیل بی ارزش دانستن فرزندان دختر و شرمساری از تولد آنان، کودکان دختر را زنده به گور می‌کردند که با ظهور اسلام و نزول قرآن این سنت جاهلی مورد تقبیح قرار گرفت. قرآن کریم در آیات ۹ سوره مبارکه تکویر^۴، و نیز آیه ۵۹ سوره نحل^۵ این عمل شنیع را به شدت مورد مذمت قرار داد.

^۱ - «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ». بقره: ۱۷۹

^۲ - Hayg: *in Defence of the Death penalty, in Philosophy of law*, ۸۴-۶.

^۳ - «إِيَّاكَ وَالدِّمَاءَ وَ سَفْكِهَا بغيرِ جِلْها...» الرضى، نامه ۳۳۹/۵۳

^۴ - «وَ إِذَا الْمَوْءَدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ: از دختران زنده به گور شده سوال می‌شود که به چه گناهی کشته شدند.»

^۵ - «يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلْأَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ: هر گاه بشارت تولد دختر به او دهند..... که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگه دارد و یا زنده به خاک گور کند؟ آگاه باشید که آن‌ها بسیار بد حکم می‌کنند»

اعراب جاهلی همچنین به دلیل فقر اقتصادی و عدم تمکن مالی و ناتوانی از تامین هزینه‌ها و مخارج زندگی، کودکان خود را به قتل می‌رساندند. خداوند متعال در آیاتی از قرآن ضمن تفسیح و تحریم این امر، اعراب را از کشتن کودکان، با این تعلیل که روزی در دست خداست باز می‌دارد. در سوره انعام آیه ۱۵۱ خداوند کشتن کودکان به بهانه فقر اقتصادی را نهی می‌کند.^۱ در آیاتی دیگر با بیان این نکته ظریف که تامین روزی کودکان مقدم بر تامین روزی والدین است و تامین روزی آنان در دستان شما نیست، کشتن کودکان به دلیل فقر را در زمره گناهان کبیره معرفی می‌کند.^۲

پیامبر اسلام (ص) در زمان جنگ‌ها، به سپاهیان توصیه اکید فرموده بودند که از کشتن زنان، کودکان و سالمندان پرهیز نمایند.^۳ در یکی از جنگ‌ها، تنی چند از سپاهیان اسلام برای ضربه زدن به دشمن، تعدادی از کودکان دشمن را کشتند. پیامبر (ص) بعد از اطلاع از این واقعه بسیار خشمگین شدند و فرمودند: «چرا عده‌تی آن قدر ستیزه جو شده اید که کودکان را به قتل می‌رسانید؟!»^۴

قوانین بشردوستانه هم طرف‌های متخاصم در جنگ را به حفاظت و عدم آسیب به کودکان ملزم نموده است. طبق ماده ۲۴ کنوانسیون چهارم ژنو، طرفین درگیر در جنگ باید تسهیلات لازم را برای کودکان زیر پانزده سال که در جنگ یتیم شده یا از خانواده خود جدا افتاده اند، جهت نگهداری و مراقبت و انجام واجبات مذهبی و تربیتی آنها، فراهم کنند. ماده ۴ بند سوم قسمت ج از پروتکل دوم الحاقی، استخدام کودکان کمتر از ۱۵ سال در نیروهای مسلح را ممنوع اعلام می‌کند. در این ماده آمده است که: «کودکان زیر ۱۵ سال جهت شرکت در هیچ جنگی نباید مسلح و شرکت داده شوند.»

دیوان کیفری بین‌المللی نیز در ماده ۸ اساسنامه خود جهت حمایت از کودکان، به کارگیری و مشارکت دادن کودکان زیر ۱۵ سال در عملیات‌های جنگی داخلی و بین‌المللی را جنایت جنگی به شمار آورده است.

ممنوعیت اعدام کودک و سقط جنین

یکی از بحث برانگیزترین مسائل حقوق بشری، پیرامون موضوع سلب حق حیات کودکان - مشخصاً اعدام و سقط جنین می‌باشد. در این نوشتار در ابتدا موضع متون دینی و مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر حول موضوع اعدام کودکان و سپس سقط جنین بررسی می‌شود.

ممنوعیت اعدام کودکان در اسناد بین‌المللی و متون و قوانین اسلامی

علیرغم پذیرش حق حیات به عنوان حقی اساسی، ذاتی و غیر قابل تعلیق و وجود تمایلات بین‌المللی جهت لغو مجازات اعدام، نمی‌توان گفت قوانین حقوق بین‌الملل به طور کامل مجازات اعدام را ملغی کرده است. البته تلاش‌هایی برای محدود کردن مجازات اعدام در سطح بین‌الملل صورت گرفته است. به نظر می‌رسد یکی از نهادهای بین‌المللی که اقدامات مثبتی در جهت ایجاد قوانین و مقررات مبنی بر ایجاد محدودیت در اجرای کیفر اعدام وضع نموده است، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی می‌باشد. این میثاق در بند دوم اعلام می‌دارد: «... در کشورهایی که مجازات اعدام اعمال می‌شود...» دلالت بر تمایل بر لغو مجازات اعدام احساس می‌شود. در این بند صدور حکم اعدام صرفاً در مورد مهم‌ترین جنایت‌ها و به تبع حکم قطعی صادره از دادگاه صالح ممکن می‌باشد. در بند پنجم نیز صدور و اجرای حکم اعدام با محدودیت‌هایی چون ممنوعیت اعدام برای کودکان کمتر از هیجده سال و زنان باردار، همراه شده است.

^۱ - «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ؛ فرزندان خود را از بیم فقر نکشید ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم.»

^۲ «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَّةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَتْ حَطْلًا كَبِيرًا؛ فرزندان را از بیم فقر نکشید ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم کشتن آن‌ها گناهی بزرگ است.» اسرا: ۳۱.

^۳ - «و لا تقتلوا شیخا فانیا و لا صبیا و لا إمرأه»؛ ابوداود، السنن، ۱۴۱۰ ج ۱/۵۸۸

^۴ - ابن حنبل، المسند، جلد سوم، ۹۸/۴۲۵

در همین راستا نظریه تفسیری کمیته حقوق بشر مصوب ۲۰۱۸ در شماره ۳۶ خود در تفسیر ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند که، دولت‌های عضو باید اقدامات حفاظتی را در مورد افراد آسیب پذیر مانند کودکان بویژه کودکان خیابانی انجام دهند.^۱ البته این نظریه هم اعدام نظامیان در زمان جنگ را جایز دانسته و تنها به پذیرش لغو اعدام در زمان صلح اکتفا نموده است.

ماده سی و هفتم کنوانسیون حقوق کودک^۲ تصریح می‌کند که دولتهای عضو ملزم هستند که اولاً هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا رفتارهای غیر انسانی و بی رحمانه قرار گیرد و صدور حکم مجازات اعدام یا حبس ابد برای افراد کمتر از ۱۸ سال جایز نیست. ثانیاً دستگیری و بازداشت کودکان باید مطابق قانون و به عنوان آخرین راهکار و برای حداقل زمان ممکن عملی شود.

با در نظر گرفتن اینکه کنوانسیون در ماده ۱ سن خاتمه کودکی را هجده سالگی دانسته است^۳، به نظر می‌رسد که کنوانسیون و میثاق در موضوع ممنوعیت اعدام کودک متفق القول می‌باشند؛ یعنی بین التزام به ممنوعیت اعدام کودک و حق حیات او ملازمه وجود دارد، زیرا این دو سند، صدور و اجرای حکم اعدام برای افراد کمتر از هجده سال را ممنوع اعلام می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت صدور حکم اعدام برای افراد کمتر از هجده سال و اجرای حکم بعد از رسیدن به هجده سالگی، با مقررات مزبور مغایرت دارد و در انتظار گذاشتن کودک برای رسیدن به سن قانونی جهت اجرای مجازات اعدام را می‌توان نوعی مجازات مضاعف دانست.

مطابق فقه اسلامی، حکم اعدام کودکان به دلیل فقدان مسئولیت کیفری، اجرایی نمی‌شود و اعدام کودکان فاقد وجهت شرعی می‌باشد و اگر کودکی جرم مستوجب مجازات اعدام مرتکب شود، مجازات نخواهد شد زیرا بلوغ و عقل از شرایط عامه تکلیف می‌باشند و در صورتی که این شرایط وجود نداشته باشد، قاتل قصاص نمی‌شود.

اما با وجود متون شرعی مبنی بر ممنوعیت اعدام، در شرایطی صدور و اجرای حکم اعدام مجاز می‌باشد. چالش و مسأله‌تی که مشهور فقها با آن مواجه می‌باشند، تعیین سن مسئولیت کیفری می‌باشد.^۴

در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی نیز که برگرفته از رای مشهور فقهای امامیه است، کودکان در صورت ارتکاب جرم دارای مسئولیت کیفری نخواهند بود.^۵ برخی فقها هم بر این امر ادعای اجماع کرده اند که اگر کودکی شخص دیگری را بکشد، این فعل خطای محض محسوب می‌شود و کودک را به دلیل ارتکاب آن قصاص نمی‌کنند.^۶ گرچه در مقابل برخی فقها هم با استناد به ادله و اصولی چون احتیاط در دماء و حدیث رفع و برخی روایات باب، عمد و خطای کودکان را یکسان دانسته اند.^۷

^۱ - General comment No. 36 (2018) on article 6 .

^۲ - ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک: «دولت‌های عضو متعهد هستند موارد زیر را رعایت کنند. ۱- شکنجه و مجازات اعدام و حبس ابد برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع اعلام شده است. ۲- دستگیری و بازداشت و یا زندانی کردن کودک به طور غیرقانونی و خودسرانه، ممنوع اعلام شده و از آن‌ها به عنوان آخرین راه چاره استفاده شده است. ۳- ... و ۴- ...» در این ماده **صدور** و **اجرای** مجازات اعدام برای افراد کمتر از ۱۸ سال ممنوع اعلام شده است اما از محتوی ترجمه شده متون کنوانسیون که تا حدودی به قوانین ما ورود پیدا کرده می‌توان چنین استنباط کرد که **صدور** مجازات اعدام جایز است اما **اجرای** آن منوط به رسیدن کودک به سن ۱۸ سالگی می‌باشد. مانند زنان باردار که می‌توان حکم اعدام آنان را در زمان بارداری صادر کرد اما اجرای آن به بعد از تولد حمل موکول می‌شود.

^۳ - ماده یک کنوانسیون حقوق کودک: «... منظور از کودک افراد کمتر از ۱۸ سال می‌باشند، مگر آنکه طبق قانون قابل اعمال داخلی، سن کمتری به عنوان سن بلوغ در نظر گرفته شده باشد...»

^۴ - قربان نیا، بازپژوهی حقوق زن، ۸۵ تا ۱۰۷

^۵ - ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی: «اطفال در صورت ارتکاب جرم میری از مسوولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه بعهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.»

^۶ - نجفی، جواهر الکلام: ۱۷۸/۴۲. «الصبی لا یقتل بصبی و لا ببالغ: کودک در برابر قتل کودک و بالغ قصاص نمی‌شود.» البته باید اذعان کرد که ادعای اجماع به دلیل مدرکی بودن اجماع فاقد اعتبار لازم می‌باشد.

^۷ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ۶۶/۱۹

در ماده ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی که مطابق قول مشهور فقهای امامیه می‌باشد،^۱ تصریح شده است که "اگر شخص بالغ انسان نابالغی را به قتل برساند قصاص می‌شود." و اولیای کودک در چنین فرضی، حق قصاص خواهند داشت. این امر را می‌توان نوعی حمایت از حق حیات کودکان به شمار آورد.

نکته جالب دیگری که در مورد توجه اسلام نسبت به حمایت از حق حیات کودکان و حتی حفاظت از حق حیات جنین، می‌توان به آن اشاره کرد این است که اگر مادر باردار مرتکب جرمی شده باشد که مجازات آن اعدام باشد، اجرای حکم اعدام مادر تا زمان وضع حمل و تولد جنین به تعویق انداخته می‌شود - اعم از اینکه جنین مشروع یا نامشروع باشد - بلکه تا زمانی که کودک برای زنده ماندن نیازمند تغذیه از شیر مادر باشد، این حکم جاری خواهد بود.^۲ بنابراین هیچ‌گونه ضرری از طرف هیچ‌کس نسبت به دیگری نباید واقع شود و انجام آن قبیح است و فرقی ندارد آن ضرر از طرف مردم نسبت به یکدیگر باشد یا به سبب جعل احکام ضرری یا امضای آن‌ها از سوی شارع باشد.^۳

مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مجازات اسلامی هم مطابق فقه امامیه در حمایت از حق حیات کودکان و ضرورت حفظ آن، به این موارد تصریح دارد.^۴ البته لازم به ذکر است با توجه به اینکه حق حیات اساسی‌ترین حق هر انسان می‌باشد و با در نظر گرفتن تمام قوانینی که در سطح بین‌الملل در مورد لغو مجازات اعدام برای کودکان به تصویب می‌رسد، نمی‌توان ادعا کرد که در زمان فعلی این مجازات در سطح بین‌الملل ممنوع می‌باشد.

ممنوعیت سقط جنین در اسلام و اسناد بین‌الملل

یکی از ابزارهای کنترل یا تنظیم جمعیت که می‌تواند تهدیدکننده حیات کودکان قبل از تولد باشد، مشروعیت و جواز سقط و اجهاز جنین می‌باشد. سقط جنین حق حیات کودک را قبل از متولد شدن از او سلب می‌کند. سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا جنین همانند انسان، دارای حق بر حیات است و قوانین باید این حق را برای جنین مورد حمایت قرار دهند؟

در صورتی که بپذیریم جنین هم انسان به شمار می‌آید، آیا این تلقی یک حکم عام است یا اختصاص به مرحله پس از حلول روح در جنین دارد؟ آیا اگر جنین را قبل از دمیدن روح در شمار انسان‌ها ندانیم، مشمول قوانین حمایت از حق حیات نخواهد بود؟ اگر بین حیات مادر و جنین تزاومی رخ دهد، کدامیک در حق حیات اولویت دارند؟ در صورت وجود و پذیرش تقدم و اولویت حیات، می‌توان برای حفظ حیات مادر، حکم به جواز سقط جنین داد؟

برای پاسخ به این سوالات لازم است بدانیم که چه زمانی می‌توانیم موجودی را دارای حق به شمار آوریم.^۵ اگر برای داشتن حق، وجود اراده و توانایی ادعای حق را لازم بدانیم، نه تنها کودکان بلکه به طریق اولی جنین هم فاقد حق محسوب خواهد شد. بنابراین مادران باردار با چنین توجیهی قادر به سقط جنین‌های خویش خواهند بود. اما واضح است که پذیرش انسان ندانستن جنین بویژه پس از حلول روح، فاقد وجهت شرعی و قانونی می‌باشد.

اسناد بین‌المللی که می‌توان به نوعی حمایت از حیات جنین - قبل از تولد - را از باب تناسب حکم و موضوع از محتوی آن‌ها استنباط کرد، مقدمه و همچنین ماده بیست و چهار کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد. در بند نهم مقدمه کنوانسیون به حمایت از حیات کودک ولو در مرحله

۱ - نجفی، پیشین: ۱۸۴

۲ - پیشین، ۲۳۷/۴۱. «لا یقام الحد فضلا عن القصاص و لو جلد علی الحامل ولو من زناء حتی تضع ولدها بلا خلاف اجده..... حتی ترضع الولد.»

۳ - مرعشی شوشتری، دیدگاه‌های نو در حقوق، ۱۹۱/۱. به نقل از بررسی فقهی حکم رانت خواری با استناد به قاعده لاضرر، محمدعلی شیخ الاسلامی و دیگران، نشریه فقه و اصول، ۲، تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۱۵.

۴ - ماده ۹۱ ق.م.اسلامی: «در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی‌شود. همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حد جاری نمی‌شود.» ماده ۹۲: «هر گاه در اجرای حد جلد بر زن بارداریا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا شیرخوار باشد، اجرای حد تا رفع بیم ضرر به تأخیر می‌افتد.

۵ - رک: فلسفه حق، راسخ، نامه مفید. شماره ۲۱، بخش پیشگفتار، ص ۹۷؛ حقوق بشر در جهان معاصر، قاری سید فاطمی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، ص ۲۵

جنینی و قبل از تولد اشاره شده است. «... کودک به دلیل عدم رشد کامل جسمی و ذهنی، قبل از تولد و پس از آن محتاج مراقبت و حمایت‌های مناسب حقوقی می‌باشد...». در ماده بیست و چهار نیز به حق کودک و مادران جهت برخورداری از بهداشت و مراقبت‌های قبل و بعد از تولد جنین، تصریح شده است.

در کنوانسیون حقوق کودک، به دلیل حفظ مقبولیت جهانی کنوانسیون، از طرح مباحث مورد تنازع مربوط به جواز یا عدم جواز اسقاط جنین، اجتناب شد زیرا چنین اختلافاتی می‌توانست زمینه ساز اعمال شروط مختلف توسط دولت‌ها گردد. بنابراین وجود برخی مصالح در تدوین کنوانسیون، اقتضا داشت که ماده یک به شکل حاضر و بدون هیچ اشاره‌تی به سن آغاز کودکی تدوین شود و دولت‌های عضو اختیار داشته باشند بر مبنای اصول مذهبی و اخلاقی و فرهنگی در قوانین داخلی خود، آغاز کودکی را مشخص نمایند.^۱

اما در فقه اسلامی به مسأله جنین و حمایت از حق حیات آن به تفصیل سخن گفته شده است. بر مبنای متون فقهی و با استناد به ادله شرعی، در حالات عدم تزامم بین حیات طفل و مادر، چه در حالت ولوج روح در کالبد جنین و چه قبل از آن، حکم قطعی حرمت سقط جنین می‌باشد.^۲ در روایتی از امام باقر(ع) سوال می‌شود که «زنی عمدا و به قصد سقط جنین و بدون اطلاع همسرش، دارویی مصرف می‌کند که برای سقط جنین می‌باشد. امام پاسخ می‌دهد اگر بر روی استخوان گوشت روییده باشد، زن باید دیه جنین سقط شده را به همسرش بپردازد. و خودش از آن دیه سهم الأثری ندارد زیرا قاتل جنین محسوب می‌شود و همین امر مانع ارث بری محسوب می‌شود.»^۳

در روایتی از امیرالمومنین(ع) نیز آمده که آن حضرت فرمودند: «زمانی که خلقت دیگری (روح) در جنین محقق شد، جنین نفس(انسان) محسوب می‌شود.»^۴

در موارد تزامم حیات جنین با حیات مادر، به گونه‌تی که فقط یکی از آنها احتمال زنده بودن داشته باشند، مسأله با موارد عادی متفاوت خواهد بود. با این وجود اگر اثبات ادعای اجماع فقها بر حرمت سقط جنین، در چنین مواردی دشوار باشد، می‌توان به شهرت قابل توجه در مسأله استناد کرد. بیشتر فقهای امامیه و عامه، حکم به عدم جواز سقط جنین بعد از حلول و دمیده شدن روح داده اند. آیت الله خویی در التقیح، مرحوم محقق یزدی در عروه الوثقی، آیت الله حکیم در مستمسک و امام خمینی(ره) در تحریر، فتوا بر حرمت سقط جنین داده اند. اگرچه علیرغم این فتاوا، احتمال مقدم دانستن حیات مادر بر حیات جنین را با استناد به برخی دلایل عقلی می‌توان قابل توجیه دانست.^۵ اما بی تردید این فتاوا را می‌توان حاکی از توجه فقها به حمایت از حق حیات انسان دانست حتی در صورتی که هنوز پا به این جهان نگذاشته باشد. با اذعان به این نکته که حیات مادر هم ارزشمند و محترم است و نمی‌توان جان یکی را بر دیگری ترجیح داد.

اما در حالت تزامم بین حیات جنین قبل از حلول روح و حیات مادر، در صورتی که بقای جنین، جان مادر را به مخاطره بیاندازد یا مستلزم درد خارج از توان و طاقت برای مادر باشد، باید بر جواز سقط جنین حکم نمود، زیرا نام «انسان» بر جنین قبل از حلول روح صدق نمی‌کند، اگرچه اسقاط جنین در همین مرحله در حالات عادی و نبود تزامم بین دو حیات -مادر و جنین- جایز نمی‌باشد؛ ولی اگر بقا و استمرار

^۱ - در متن پیش نویس ماده ۱، عبارت «کودک از لحظه تولد» درج شده بود که باعث مخالفت برخی دولت‌ها شد. زیرا طبق این عبارت، جنین کودک محسوب نمی‌شد و مشمول حمایت‌های ذکر شده در کنوانسیون نمی‌گردید. در نهایت عبارت مذکور حذف و ماده ۱ به شکل کنونی تقریر شد و در ظاهر اختلافات از بین رفت. اما در عمل همچنان اختلافات پابرجا بود. واتیکان اعلام کرد که کنوانسیون باید به گونه‌تی تدوین شود که حافظ حقوق کودک قبل و بعد از تولد باشد. در مقابل بریتانیا اعلام کرد در صورتی به مفاد کنوانسیون پایبند است که کودک زنده متولد شود.

^۲ - رک: وهبه الزحیلی: الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۴۰۴ق، ۵۵۶/۳؛ فاضل لنکرانی و جمع من المحققین، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، مقارنه تفصیلیه بین مذهب الامامیه و المذاهب الاخری، ۱۴۲۵ق، ۱/۱۳۳ تا ۱۳۹.

^۳ - حرعاملی، وسائل الشیعه، ۳۱/۲۶.

^۴ - کلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ۲۴۳/۷. «إذا أنشئ فيه خلق آخر و هو الروح فهو حينئذ نفس».

- قائنی، المسائل الطبیعه، ۲۵۰/۱، تبریزی، صراط النجاه، ۱/ ۲۳۲^۵

حیات جنین، جان مادر را به خطر بیندازد، می‌توان ادعا کرد که با استناد به حکومت قواعد «لا ضرر» و «لا حرج» می‌توان حکم حرمت اسقاط را از بین برد.^۱

برخی مواد قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۶۲۲ الی ۶۲۴ این قانون که بر اساس متون فقهی امامیه تقریر شده است، را می‌توان به نوعی حمایت کیفری نسبت به حق حیات جنین به شمار آورد. ماده ۶۲۲ ق.م.سقوط جنین را جرم دانسته و برای ارتکاب آن مجازات مقرر نموده است. طبق این ماده هرکس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، برحسب مورد به حبس از یکسال تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده بعد برای معاونت در جرم سقط جنین از طریق خوردن دارو و تجویز موادی که مصرف آن‌ها منجر به سقط جنین می‌شود، مجازات حبس در نظر گرفته است.^۲ ماده ۶۲۴ در ارتباط با مجازات افرادی است که از طریق فراهم کردن وسایل سقط جنین یا اقدام به انجام این کار، موجبات سقط را فراهم می‌آورند.^۳

نکته‌ای که می‌توان از متون فقهی امامیه و نیز مواد مذکور از قانون مجازات اسلامی که برگرفته از فقه وزین امامیه می‌باشد، استنباط کرد این است که سقط جنین پس از حلول روح جایز نیست زیرا در این مرحله جنین انسان محسوب می‌شود و سقط آن قتل نفس می‌باشد، بدون اینکه از این حیث تفاوتی بین جنین مشروع و نامشروع وجود داشته باشد. بر همین پایه فقهای امامیه معتقدند که مادر جنین نامشروع را نمی‌توان به عنوان قصاص یا از باب اجرای حدود اعدام کرد. تا جایی که برخی فقها این کار را مصداق اسراف در قتل به شمار می‌آورند.^۴ بنابراین زمانی که حکم اعدام مادر را به جهت حمایت از حق حیات جنین نامشروع نمی‌توان به مرحله اجرا درآورد، به طریق اولی پدر و مادر طبیعی و یا اشخاصی همچون پزشک و ماما، حق سقط جنین ولو جنین نامشروع را ندارند. بر همین اساس اداره حقوقی قوه قضاییه در باب مسائل کیفری نیز سقط جنین، اعم از اینکه جنین حلال یا ناشی از زنا باشد را دارای کیفر و مجازات می‌داند.^۵

البته اگرچه دلیل حرمت سقط جنین اطلاق دارد اما قبل از ورود روح به کالبد جنین، در صورتی که حفظ جنین موجب عسر و حرج بر مادر یا باعث ایجاد مفسدی مثل طلاق، خونریزی و شود، همچون دیگر اتصالات ادله احکام اولیه، می‌توان این اطلاق - حرمت سقط جنین - را محکوم دلایل "قاعده اضطرار" و "لا حرج" دانست و حکم به جواز اسقاط داد.^۶

سایر اقدامات لازم جهت حمایت از حق حیات کودک

در مباحث پیشین، ممنوعیت قتل و سقط جنین کودکان و تصویب قوانین کیفری برای مرتکبین این جرایم توسط دولت‌ها از جمله راهکارهای حمایتی از حق حیات کودکان بود که به آن پرداخته شد. اما این اقدامات دولت‌ها نمی‌تواند به تنهایی تضمین کننده حفظ و حمایت از حق حیات کودکان باشد. دولت‌ها موظف هستند قوانین را به گونه‌ای تصویب کنند که نه خود بتوانند ناقض آن باشند و نه مجالی برای نقض قانون توسط دیگران فراهم باشد. در راستای اجرای چنین وظایفی می‌توان دولت‌ها را به تأمین حداقل‌های معیشتی حمایتی برای افراد جامعه و بویژه کودکان، موظف دانست.

^۱ - رجوع شود به: الخویی، صراط النجاه، ۳۳۲/۱؛ الخمینی، تحریر الوسیله، ۵۹۸/۲؛ فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ۴۹۰/۱؛ مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامه، ۲۹۲؛ مکارم شیرازی، مسائل المستحدثه فی الفقه، فقه اهل البیت، ۵۷/۱۲ و ۱۱.

^۲ - ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی: «هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن شود، به ۶ ماه تا یکسال حبس محکوم می‌شود».

^۳ - ماده ۶۲۴ قانون مجازات: «اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام میکنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت».

^۴ - خمینی، تحریر الوسیله، ۴۶۴: «لا یقتص من الحامل حتی تضع ... لکنه اسرافاً فی القتل» و نجفی، جواهر الکلام، ۲۳۷/۴۱: «لا یقام الحد... علی الحامل ولو من زنا حتی تضع..»

^۵ - اداره حقوقی قوه قضاییه، ۱۳۷۳/۱

^۶ - محسنی، الفقه و مسائل طبیه: ۶۷/۱؛ قاننی، المسائل الطبیه: ۲۶۸/۱

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح می‌کنند که مادران در فواصل زمانی خاص قبل از تولد کودک باید مورد حمایت‌های ویژه قرار گیرند تا بتوانند کودک سالمی به دنیا آورده و پرورش دهند.^۱ دولت‌ها همچنین مکلفند در قالب اقدامات داخلی و بین المللی، تمام تلاش خود را در جهت از بین بردن گرسنگی که رابطه نزدیکی با حق حیات دارد به کار بندند. بر این مبنا دولتها تعهد فوری دارند جهت حمایت از حیات انسان‌ها، از بروز قحطی و به تبع آن مرگ و میر ناشی از گرسنگی، پیشگیری نمایند.^۲

در ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است که: «دولت‌های عضو باید به گونه‌تی اقدام کنند که هر کسی از بهترین حال جسمی و روحی برخوردار باشد. از جمله اقداماتی که دولت‌ها باید انجام دهند، کاهش مرگ و میر کودکان، پیشگیری و درمان بیماری‌های فراگیر و ...». بنابراین می‌توان گفت در راستای عمل به این میثاق، دول عضو متعهد هستند برای کاهش مرگ و میر کودکان و حمایت از آنان در برابر بیماری‌های فراگیر، گرسنگی و سوء تغذیه اقدامات تقنینی انجام دهند. این تعهد دولت‌ها را می‌توان نشانه توجه آن‌ها به حق حیات بویژه حق حیات کودکان دانست.^۳

ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک در بند ۱ کشورهای عضو را مکلف می‌داند برای اینکه کودکان از حق دسترسی به خدمات بهداشتی محروم نماند، از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. به نظر این کنوانسیون حق کودک برای برخورداری از بالاترین معیارهای بهداشتی جهت درمان بیماریها و بازیابی سلامت باید پذیرفته شود. بی شک به رسمیت شناختن حق بهداشت، گستره‌تی از اقدامات مراقبتی برای تضمین حق حیات کودکان بر عهده دولت‌ها می‌گذارد.

بر همین مبنا در ماده ۱۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر تصریح شده است که «کودک از زمان تولد حقی بر گردن پدر و مادر، دولت و جامعه در محافظت از دوران کودکی و تربیت کردن و تامین نیازهای مادی و بهداشتی، دارد.» از مفهوم این ماده می‌توان ضرورت حمایت از مادر باردار، جنین و حمایت‌های خاص از آن‌ها را برداشت نمود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در ماده ۲۱ بند ۲ دولت را به حمایت از مادران در دوران بارداری و نگهداری و حضانت از فرزندان، موظف کرده است.^۴

بر مبنای فقه امامیه اگر زوج و زوجه به سبب طلاق بائن یا فسخ از یکدیگر جدا شوند، زن در صورت باردار بودن، حق برخورداری از نفقه را دارد و شوهر ملزم به پرداخت نفقه می‌باشد. به نظر می‌رسد بتوان حکم حمایت از جنین را از آیه ۶ سوره طلاق استنباط کرد.^۵

مطابق این آیه ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی تصریح می‌کند که مطلقه رجعیه اگر به دلیل فسخ نکاح یا طلاق بائن، در عده باشد، حق نفقه ندارد مگر اینکه از شوهر خود باردار باشد که در این حالت تا هنگام وضع حمل، نفقه او بر عهده شوهر است که باید پرداخت شود.^۶

۱ - ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر فردی سزاوار و محق به زندگی، امنیت و آزادی فردی است»؛ بند ۲ ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: «مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخوردار گردند.»

۲ - بند ۲ ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق: «کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هر کس به این که از گرسنگی فارغ باشد، منفرداً و از طریق همکاری بین المللی تدابیر لازم را اتخاذ کنند...»

۳ - نظریه تفسیری کمیته حقوق بشر از ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: «از مصادیق تعهد دولت‌ها بر حمایت از حق حیات می‌توان به انجام اقداماتی در جهت کاهش مرگ و میر کودکان و حمایت از آنان در برابر گرسنگی، بیماری و ... اشاره کرد.»

۴ - ... دولت موظف است...: «حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.»

۵ - «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُوهُنَّ لِنُضَيْقُوا عَلَيْهِنَّ ۖ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ...» (زنانی که طلاق رجعی دهید تا در عده‌اند) آن‌ها را در همان منزل خویش که میسر شماست بنشانید و به ایشان (در نفقه و سکنی) آزار و زیان نرسانید تا آنان را در مضیقه و رنج در افکنید (که به ناچار از حق خود بگذرند) و به زنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید...».

۶ - ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی: «نفقه‌ی مطلقه‌ی رجعیه در زمان عده بر عهده‌ی شوهر است مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.»

فقه‌های اسلامی در مورد اینکه آیا نفقه زن باردار در عده طلاق بائن، متعلق به زوجه است یا حمل، اختلاف نظر دارند. برخی پرداخت نفقه را برای حمل و برخی برای زوجه توجیه کرده اند. به نظر می‌رسد با مطالعه نظرات و دیدگاه‌های هر دو گروه، پذیرش دلایل فقهایی که در مورد طلاق بائن، قائل به تعلق نفقه به حمل می‌باشند، ارجحیت داشته باشد.^۱ زیرا علت اعطای نفقه به زن در عده طلاق بائن، صرفاً باردار بودن زن می‌باشد.^۲ بنابراین می‌توان استنباط کرد که نفقه متعلق به حمل است و طلاق بائن زن باردار، مورد ویژه و منحصری نیست که این حکم را مختص آن بدانیم.

ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی قدیم به تبعیت از نظر مشهور فقها در خصوص نفقه زن در زمان عده وفات، تصریح می‌دارد: «در زمان عده وفات زن حق نفقه ندارد». این ماده در مورد اینکه زن غیرحامل مستحق دریافت نفقه نیست صراحت دارد اما این حکم که زن حامل هم در زمان عده وفات مستحق نفقه نباشد را باید از اطلاق ماده استنباط کرد. بین نظرات فقها در این مورد نیز تعارض وجود دارد. برخی از فقها مانند محقق برای عدم استحقاق زن نسبت به پرداخت نفقه به شهرت روایی و فتوایی استناد کرده اند و عده‌تی دیگر، پرداخت نفقه را از باب پرداخت سهم حمل، واجب می‌دانند.^۳ برخی حقوقدانان با استناد به مفهوم ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی که زوج را ملزم به پرداخت نفقه زن حامل در عده طلاق بائن می‌داند، پرداخت نفقه به زن حامل در زمان عده وفات را نیز واجب می‌دانند.^۴

اختلاف نظر بین فقها و حقوقدانان در این مسأله، منجر به اصلاح ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی به این صورت گردید که: «در ایام عده وفات مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه بر عهده آنان است تأمین می‌گردد». به نظر می‌رسد اصلاح این ماده قانونی هم نتوانست مشکل مذکور را برطرف نماید زیرا نفقه اقارب مسأله‌تی است که حکم آن به صراحت در قانون بیان شده است. مشکل، پرداخت نفقه زن در ایام عده وفات می‌باشد که علیرغم تمایل قانون‌گذار به حل این مسأله، حتی ماده اصلاحی هم توان مقاومت در برابر نظر مشهور فقهای امامیه را نداشت. به نظر می‌رسد علیرغم اختلاف نظرها، آنچه در این نوشتار بر تأیید ادعای ما صحه می‌گذارد، و فقها و حقوقدانان نسبت به آن اختلافی ندارند، الزام به پرداخت نفقه در صورت وجود حمل می‌باشد.

یکی دیگر از حقوق مرتبط با حق حیات کودک که در فقه اسلامی به عنوان حق کودک و تکلیف والدین به آن اشاره شده است، و در صورت برخوردار نبودن از این حق ممکن است حیات کودک دچار مخاطره شود، حق تغذیه کودک با شیر مادر می‌باشد. برخی فقها تغذیه کودک با شیر مادر را در فاصله چند روز پس از تولد بر مادر لازم و واجب می‌دانند.^۵ برخی دیگر معتقدند کودک حق دارد بیست و یک ماه از شیر مادر تغذیه شود و در صورت امکان کمتر از این مدت جایز نیست و ظلم می‌باشد.^۶ برخی آیات قرآن هم به صراحت دلالت بر استحباب تغذیه کودک با شیر مادر در دو سال آغازین عمر کودک دارد.^۷

ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی^۸ به صراحت بیان می‌کند که اگر تغذیه طفل فقط با شیر مادر امکان پذیر باشد، مادر موظف است به طفل خود شیر دهد. قانون‌گذار ایران برای حمایت از طفل شیرخوار، قانون "ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در زمان شیردهی" را تصویب

۱ - شهید ثانی، الروضة البهیه فی شرح اللعنه الدمشقیه، ۳/ ۲۱۱.

۲ - امامی، حقوق مدنی، ۳/ ۲۱۱.

۳ - فیض الکاظمی، مفاتیح الشرایع، ۲۹۷.

۴ - امامی، حقوق مدنی، ۴۴۱.

۵ - شهید ثانی، الروضة البهیه فی شرح المعه الدمشقیه، ۴۵۲.

۶ - خمینی، تحریر الوسیله، ۲/ ۲۱۲. «الرضا احد و عشرون شهرا فما نقص فهو جور.» العاملی، پیشین، ۲۱/ ۴۵۲.

۷ - سوره بقره آیه ۲۳۳: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ.» و مادران باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند این (دستور) برای کسی است که می‌خواهد دوران شیرخوارگی (طفل) را تکمیل کند.

۸ - ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی: «مادر مجبور نیست به طفل خود شیر دهد، مگر این که تغذیه طفل با غیر از شیر مادر ممکن نباشد.»

کرده است^۱ تا بدین وسیله موجبات آرامش روحی و جسمی مادر و به تبع آن تضمینی برای حفظ حیات طفل را فراهم آورد.^۲ حمایت از حق حیات کودکان را می‌توان از نکات مصرح در مواد ۷۶ تا ۷۹ قانون کار، مانند حق برخورداری از مرخصی بارداری و زایمان زنان، ممنوعیت انجام کار سخت در دوران بارداری، در نظر گرفتن زمانی برای شیردهی نوزاد در دو سال اول زندگی مشاهده نمود. اگرچه این حمایت‌ها در مورد زنان باردار و مادران شیرده می‌باشد اما پر واضح است که دلیل این حمایت‌ها به نوعی توجه به حیات جنین و طفل و حفظ سلامت او می‌باشد.

از دیگر حقوقی که پیوند مستقیم با حق حیات کودک دارد، می‌توان به حق بهره مند شدن از بهداشت اشاره کرد. کنوانسیون حقوق کودک در بند دوم ماده ۲۴، دسترسی به آب آشامیدنی سالم را از مصادیق حقوق کودک برشمرده است که دولت‌ها باید متعهد به تأمین آن باشند. قوانین ایران نیز دولت جمهوری اسلامی را موظف می‌داند زمینه‌های بهداشتی افراد جامعه بویژه کودکان را تأمین نماید. به دلیل نیاز کودکان به مراقبت‌های بهداشتی اولیه، تأمین این نیاز برای کودکان در اولویت قرار دارد. وزارت بهداشت متعهد است اقداماتی از جمله تأمین بهداشت عمومی و ارتقای سطح آن از طریق اجرای برنامه‌های بهداشتی با تأکید بر مراقبت‌های بهداشتی اولیه خصوصاً بهداشت مادران و کودکان را عهده دار شود.^۳

نتیجه گیری

حق حیات به عنوان اساسی ترین حق هر انسان در پاره‌تی از اسناد حقوق بشر مورد توجه واقع شده است. به دلیل آسیب پذیری بیشتر کودکان نسبت به بزرگسالان، شریعت، قوانین داخلی و بین المللی توجه خاصی به این حق کودکان مبذول داشته است. « حق حیات و بقای کودک» یکی از اصول چهارگانه‌تی است که کمیته حقوق کودک از آن به عنوان پایه و اساس شکل گیری کنوانسیون حقوق کودک یاد می‌کند. زندگی و حیات هر انسانی اعم از زن و مرد، کودک و بزرگسال، دارای ارزش ذاتی است و سلب حق حیات دیگران غیر از موارد خاص و محدود، ممنوع می‌باشد. اما تکلیف احترام به حق حیات افراد جامعه، اختصاص به قدرت حاکمه ندارد و افراد جامعه هم در روابط بین خود مکلف به رعایت احترام به حق حیات هم نوعانشان می‌باشند.

اهمیت این مساله تا آنجا است که قرآن کریم، نجات جان یک انسان را برابر با نجات تمام انسان‌ها و از بین بردن جان یک فرد را مساوی نابودی تمام انسان‌ها تعبیر کرده است. به نظر می‌رسد می‌توان از این توجه شریعت نسبت به حفظ و احترام جان انسان‌ها، مسأله حق انسان بر حیات و زندگی را برداشت کرد که البته این حق ناشی از ارزشمند بودن و کرامت خود انسان بماهو انسان به عنوان اشرف مخلوقات می‌باشد و به تبع آن ارزش حیات انسان را می‌توان استنباط کرد.

حق حیات کودکان و حمایت از آن دارای جلوه‌های مختلفی است. از سویی با ممنوعیت شکنجه و اعدام کودکان ملازمه دارد و از سوی دیگر با تسری مفهوم زمان کودکی به قبل از تولد و عدم جواز سقط جنین همسو می‌باشد. دولت‌ها به عنوان حامی اصلی حق حیات کودکان موظف به انجام اقداماتی از جمله تأمین حداقل‌های معیشتی حمایتی، جهت حمایت از حق حیات کودکان می‌باشند. همچنین متعهدند قوانین را به گونه‌تی اعمال و اجرا نمایند که نه خود و نه دیگر افراد جامعه قادر به نقض آن نباشند.

در اسناد بین المللی مربوط به حمایت از حق حیات کودکان، مادران باردار و مادران دارای طفل شیرخوار هم باید مورد حمایت‌های دولت قرار گیرند تا بتوانند فرزندان سالمی را پرورش دهند. انجام اقداماتی برای کاهش میزان مرگ و میر کودکان، جلوگیری از گرسنگی و سوء تغذیه

۱ - به موجب ماده ۳ این قانون "مادران شاغل در بخش‌های دولتی و غیر دولتی که بچه شیر می‌دهند مرخصی زایمان تا سه فرزند به مدت ۴ ماه خواهند داشت."

۲ - مصفا، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، ۱۴۱.

۳ - مصفا، پیشین، ۱۴۳.

آن‌ها و حمایت از کودکان در برابر بیماری‌های شایع و فراگیر از جمله وظایفی است که کنوانسیون و میثاق نامه‌های حمایت از حقوق کودک، دولت‌ها را متعهد به انجام آن کرده‌اند. می‌توان انجام این اقدامات و تعهدات را مبتنی بر حمایت از حق حیات کودکان دانست. فقه اسلامی نیز به موضوع حق حیات کودکان و راهکارهای حمایت از آنان توجه خاص نموده است. اگرچه در این زمینه با چالش‌هایی چون تعیین غایت زمان کودکی و صدور حکم اعدام کودکان و ازدواج دختران در سنین پایین روبرو می‌باشد- در فقه اسلامی ازدواج صغیره با اجازه ولی و رعایت مصلحت طفل، پذیرفته شده است؛- همچنین در فقه اسلامی برای حمایت از حیات کودکان، بر ممنوعیت نکاح به معنی خاص حکم شده است و در مورد دخترانی که بلوغ زودرس دارند، نکاح، تمکین خاص و بارداری در صورتی که حیات آن‌ها را دچار مخاطره کند، بی شک ممنوع می‌باشد. دولت اسلامی موظف است با استفاده از ظرفیت‌های ارزشمند و غنی فقه شیعه، قوانین لازم و ضروری را برای حمایت هر چه بیشتر از حق حیات کودکان تصویب و اجرا نماید.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

- ابن حنبل، احمد. (۱۳۹۸). المسند. بیروت: المكتبة الإسلامية.
- اداره حقوقی قوه قضائیه. (۱۳۷۳). در زمینه مسائل کیفری. تهران: روزنامه رسمی.
- امامی، سید حسن. (۱۳۷۲). حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- تبریزی، میرزا جواد. (۱۴۱۶). صراط النجاه. قم: سلمان فارسی.
- حر العاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: آل البیت (ع).
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۷). صراط النجاه فی أجوبه الأستفتائات. قم: دفتر نشر برگزیده.
- راسخ، محمد. (۱۳۸۸). مبانی حقوق بشر معاصر. در جمعی از نویسندگان، حقوق بشر در جهان معاصر (صص. ۹۳-۱۱۸). تهران: کمیسیون حقوق بشر اسلامی.
- زهیلی، وهبه. (۱۴۰۴ق). الفقه الاسلامی وأدلته. دمشق: دارالفکر.
- سجستانی، ابن الأشعث. (۱۴۱۰ق). سنن ابی داوود (تحقیق: سعید محمد اللحام). بیروت: دارالفکر الطباعة و النشر و التوزیع.
- شیخ الاسلامی، محمدعلی، محمدتقی، فنخلعی، محمد تقی، و قبولی درافشان. (۱۴۰۰). بررسی فقهی حکم رانت خواری با استناد به قاعده لاضرر. فقه و اصول، ۲(تابستان)، ۱۰۵-۱۲۴.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. (۱۳۹۳). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیة (تحقیق: سید محمد کلانتر). قم: دارالتفسیر.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد و جمعی از محققین. (۱۴۲۵ق). موسوعه احکام الاطفال و ادلتها تفصیلیه بین مذهب الامامیه و المذاهب الاخری. قم: مرکز فقهی الأئمة الاطهار علیهم السلام.

- فاضل لنکرانی، محمد جواد. (۱۳۸۲). جامع المسائل. قم: مطبوعاتی امیر.
- فیض الکاظمی، محمد. (۱۴۰۱ق). مفاتیح الشرایع. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قربان نیا، ناصر. (۱۳۸۸). جلوه های حمایت از حیات کودکان. نامه مفید، ۱۵(۷۶)، ۹۱-۱۱۰.
- قربان نیا و همکاران. (۱۳۸۴). بازپژوهی حقوق زن. تهران: انتشارات روز نو.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گروه علمی موسسه آموزش عالی چتر دانش. (۱۳۹۵). کنوانسیون حقوق کودک. تهران: چتر دانش.
- محسنی، محمدآصف. (۱۳۸۲). الفقه و مسائل طبیه. قم: بوستان کتاب.
- محمد الرضی، ابوالحسن (الشریف الرضی). (۱۳۷۴). نهج البلاغه (ترجمه: سید جعفر شهیدی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدی قاننی، محمد. (۱۴۲۴ق). المسائل الطبیه. قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار.
- مصفا، نسرین (زیر نظر). (۱۳۸۲). کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). المسائل المستحدثه فی الفقه. قم: فقه اهل البیت.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). بحوث فقهیه هامه. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۸۵). تحریر الوسیله. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
- نجفی، محمد حسن. (۱۲۶۲ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- والدرون، جرمی. (۱۳۷۹). فلسفه حق (ترجمه: محمد راسخ). نامه مفید، ۲۱، ۹۳-۱۱۸.

References

United Nations Human Rights Committee. (2018). General comment No. 36 on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the right to life.